

A Sociological Study of the Semantic Implications of Users of the Virtual Campaign of Protesting the Mandatory Hijab on YouTube

Maryam Momeni*

Abstract

Hijab is a social phenomenon that is formed in the context of social interactions, actions, and reactions and can be examined from the cultural, social, political, and economic perspective as well as identity, religious, spiritual, dignity, and behavioral components. This research has been conducted with the aim of sociologically investigating the semantic implications of users of virtual campaigns protesting the mandatory hijab. The method used is qualitative content analysis. The statistical population is all the notes of YouTube users under the videos of the fight against the mandatory hijab, which had more than five thousand notes. Sampling continued until theoretical saturation and finally, 500 notes were reviewed and analyzed. Among the meanings of the opponents of the mandatory hijab, the most important meaning that users gave to the protest against the mandatory hijab was the anti-political system and then the anti-religious. But the most important meaning that the proponents of the mandatory hijab approved was the religious significance. In addition, strategies have been extracted that were used by two spectrums in favor and against. The most important strategy of the spectrum in favor of removing the hijab was the strategy of verbal aggression, and the most important strategy of the spectrum against the removal of the hijab was the strategy of emphasizing the sacred. In addition, the third group, known as the indifferent ones, emphasized other more important issues as their most important strategy.

Key words: Semantic implication, Forced hijab, Virtual network, Secularism, YouTube.

* PhD, Sociology, Shiraz University, Shiraz, Iran, m.momeni70@gmail.com

بررسی جامعه‌شناختی دلالت‌های معنایی کاربران پویش مجازی اعتراض به حجاب اجباری در یوتیوب

مریم مومنی*

چکیده

حجاب یک پدیده اجتماعی است که در بستری از تعاملات، کنش‌ها و واکنش‌های اجتماعی شکل می‌گیرد و از منظر فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و همچنین، مؤلفه‌های هویتی، مذهبی، معنوی، منزلتی و رفتاری قابل بررسی است. این پژوهش با هدف بررسی جامعه‌شناختی دلالت‌های معنایی کاربران پویش‌های مجازی اعتراض به حجاب اجباری انجام شده است. روش مورد استفاده تحلیل محتوای کیفی است. جامعه آماری تمام یادداشت‌های کاربران یوتیوب ذیل فیلم‌های مبارزه با حجاب اجباری است که در این باره بیش از پنج هزار یادداشت وجود داشت. نمونه‌گیری تا اشباع نظری ادامه یافت و در نهایت، ۵۰۰ یادداشت بررسی و تحلیل شد. از بین دلالت‌های مخالفین حجاب اجباری، مهم‌ترین معنایی که کاربران به اعتراض علیه حجاب اجباری می‌دادند، دلالت ضد نظام سیاسی و بعد از آن دلالت ضد دینی بود؛ اما مهم‌ترین معنایی که موافقین حجاب اجباری برای آن صحنه می‌گذاشتند، دلالت دینی بود. افزون بر این، به استخراج راهبردهایی پرداخته شده است که دو طیف موافق و مخالف در تقابل با هم به کار برده بودند. مهم‌ترین راهبرد طیف موافق کشف حجاب، راهبرد پرخاشگری کلامی و مهم‌ترین راهبرد طیف مخالف کشف حجاب، راهبرد تأکید بر امر مقدس بود. افزون بر این، گروه سوم موسوم به بی‌تفاوت‌ها بودند که مهم‌ترین راهبرد خود را تأکید بر دیگر مسائل پراهمیت‌تر گذاشته بودند. واژگان کلیدی: دلالت معنایی، حجاب اجباری، شبکه مجازی، سکولاریسم، یوتیوب.

مقدمه و بیان مسئله

جهانی‌شدن، امکانات ارتباطی گسترده‌ای را برای مردم دنیا تسهیل کرده و انواع سبک‌های زندگی - از جمله تنوع سبک پوشش را - پیش‌روی آنان نهاده است. شواهد نشان می‌دهد در دنیای پیشامدرن، حجاب به‌عنوان مسئله‌ای اجتماعی مطرح نبوده است که محلی برای مباحثه و بحث و نظر باشد؛ اما با ورود مدرنیته، تغییرات سریع و بی‌سابقه‌ای جهان را فرا گرفت؛ به‌گونه‌ای که هیچ قلمرویی بدون تأثیر نماند و خاورمیانه و کشورهای مسلمان هم بی‌تردید با این تغییرات مواجه شدند (هاپورد، ۲۰۰۱، ص ۱۳). تغییر در ارزش‌ها، هنجارها، ساختارها و فرایندها در چند دهه اخیر موجب تغییرات سبک زندگی شده است که یکی از نمودهای آن پوشش زنان است. پوشش بارزترین چیزی است که همواره با افراد است و از این‌رو نه تنها یک امر فرهنگی و اجتماعی معنادار، بلکه یک امر اقتصادی و سیاسی نیز به شمار می‌رود. تمام ساکنان جهان به‌گونه‌ای با تولید، فروش و مصرف پوشش درگیر هستند و این مهم حتی در حوزه سیاست نیز از جایگاه مهمی برخوردار است؛ به‌گونه‌ای که در قانون اساسی برخی از کشورها، برای حمایت یا مخالفت با طرز خاصی از پوشش، قانونی به تصویب رسیده است که گاه به‌مثابه یک نماد دینی و گاه به‌مثابه یک امر نظم‌ستیز و گاه به‌مثابه ترقی و آزادی‌خواهی از آن نام برده می‌شود (الیاسی سرزلی، ۱۳۹۱، ص ۱۰-۱۱).

موضوع حجاب در ایران نیز، همیشه یک موضوع چالش‌برانگیز بوده است. پوشش زنان در نقش پدیده‌ای اجتماعی در چند دهه گذشته درگیری‌ها، کشاکش‌ها و دگرگونی‌های فراوانی به خود دیده است. ارزش‌ها، رویه‌ها و عُرُف‌های مرتبط با پوشش در تلاطم دگرپرسی‌های اجتماعی و فرهنگی و شکاف‌های نسلی و تنوع قومی و مذهبی دستخوش انواع تغییر شده‌اند؛ به‌ویژه پوشش زنانه در جامعه ایرانی پس از انقلاب، همواره بین پیروی از روش‌های مُجاز گفتمان رسمی و سبک‌های برآمده از متن زندگی روزمره در نوسان بوده است (محمدی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۶۴۰). از همان روزهای اول انقلاب تاکنون، حجاب اجباری اعتراضاتی را برانگیخته است. مثلاً در ۱۷ اسفند ۱۳۵۷ (روز زن) تظاهرات اعتراض‌آمیز جمعی از زنان در اعتراض به حجاب اجباری برگزار شد. تا سال ۱۳۶۲ هیچ قانونی در مورد حجاب و عفاف به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسید و نخستین قانونی که درخصوص پوشش زنان، در کشور به تصویب رسید، ماده ۱۰۲ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۲ بود. در این قانون آمده بود: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به تعزیر تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهند شد». براساس

این قانون، زنانی که در جمهوری اسلامی ایران هستند، اعم از ایرانی و خارجی، مسلمان و غیرمسلمان، مکلف به رعایت حجاب شرعی در انظار عمومی و معابر شدند.

دلیل اینکه در قانون شرع و قوانین مدنی ایران این قدر به حجاب اهمیت داده شده، این است که حجاب یک مقوله صرفاً دینی نیست؛ بلکه یک پدیده چندوجهی به شمار می‌رود که دارای آثار و پیامدهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. در این راستا، نتایج تحقیقات پژوهشگران نشان می‌دهد که حجاب زنان، زمینه را برای سلامت آنها و جامعه به فراهم می‌کند و از کج‌روی، نابهنجاری و روان‌پریشی در جامعه جلوگیری می‌کند (طیسی‌نیا و احمدی، ۱۳۹۲، ص ۴۷). درواقع، عفاف و حجاب تضمین‌کننده امنیت و آرامش زنان در تعاملات اجتماعی و ایجادکننده جامعه‌ای سالم و متعادل است (مختاریان‌پور و گنجعلی، ۲۰۱۱، ص ۱۴۷).

حجاب از جنبه سیاسی نیز دارای اهمیت است. امروزه جنگ نرم، استقلال فرهنگی و سیاسی جوامع را نشانه رفته است و مبارزه برای حفظ استقلال فرهنگی ایجاب می‌کند تا با هر نیرویی مقابله شود که در جنگ نرم برای انحطاط فرهنگی و سیاسی تلاش می‌کند. بنابراین، یکی از راه‌های حفظ استقلال فرهنگی و سیاسی و مقابله با جنگ نرم و سیاست‌گذاری در حوزه حجاب است. طی دهه‌های اخیر مبارزه علیه حجاب به‌عنوان یک پروژه قدیمی و اساسی از جلوه‌های تهاجم فرهنگی بوده است. بنابراین، حجاب می‌تواند برای برخی از جوامع حتی به‌عنوان مبارزه با استعمار نیز شناخته شود که نمونه‌هایی از آن در تاریخ یافت می‌شود. در هر جامعه‌ای فارغ از اسلامی بودن یا نبودن آن، فرد مذهبی یا فرد ملی‌گرا یا میهن‌پرست به سبب حفظ استقلال فرهنگی و سیاسی خود سعی می‌کند تهاجمی که پوشش به‌طور خاص، و فرهنگ به‌طور عام را نشانه رفته است، شناسایی کند و به دفع آن پردازد.

مسئله حجاب فقط جنبه انتزاعی ندارد؛ بلکه بر زندگی عینی و بدن‌مند زنان نقش بسته است. امروزه بدن زیسته (پوشش در نقش جزء اصلی آن) فقط یک ماده یا تصویر نیست؛ بلکه راهی برای بودن در جهان است. روش‌های لباس پوشیدن در نقش ابزارهایی تکنیکی برای برساختن و ارائه دادن خویشتن بدن‌مند تلقی خواهد شد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۶۴۱).

از آنجاکه هر نوع سیاست‌گذاری اجتماعی نیازمند پشتوانه علمی معتبر و دقیق و معطوف به خواست‌ها، انگیزه‌های مردم جامعه است، درک معنای ذهنی مردم ضروری به نظر می‌رسد. درواقع، اگر مسئله پوشش به‌عنوان یک پدیده غامض در زیست اجتماعی مردم موردتوجه علمی جامعه‌شناسان قرار نگیرد، می‌تواند ابزاری در دست بیگانگان برای ایجاد فشار در جهت دگرگونی فرهنگی و سیاسی قرار داشته باشد. مسئله اصلی در این تحقیق درک معنای کاربران پوتیوب از

پدیده مبارزه با حجاب اجباری است. درواقع، این تحقیق به این مسئله می‌پردازد که کاربران از مقوله پوشش چه تعبیری دارند؟ چگونه نظام معنایی‌شان را از یکدیگر متمایز می‌کنند؟ در تقابل با دیدگاه‌های مخالف، چه نوع راهبرد را اتخاذ می‌کنند؟

تعریف مفاهیم

دراین قسمت به تعریف دو مفهوم پرتکرار دراین پژوهش پرداخته می‌شود:

حجاب: از دیدگاه فقهای اسلام حجاب یکی از احکام اسلامی است و دراصطلاح، عبارت است از پوشاندن ضروری مو و دیگر اعضای بدن به‌جز صورت و دو دست توسط زنان مسلمان در برابر مردانی که طبق شریعت اسلامی نامحرم شمرده می‌شوند. در کتاب‌های فقهی، برای بیان وجوب حجاب زنان و برخی احکام آن ازجمله حدود حجاب، به آیه ۳۱ نور^۱ استناد شده است (حلی، ۱۴۱۴، ص ۴۴۶). به باور فقیهان، عبارت «لَا یُذِیْنُ زَیْنَهُنَّ» دلالت بر وجوب حجاب برای زن می‌کند (خویی، ۱۴۱۸، ص ۳۶). همچنین، به گفته برخی از فقیهان شیعه، همچون شیخ انصاری (۱۴۱۵)، شهید ثانی (۱۴۱۳) و علامه حلی (۱۴۱۴)، عبارت «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» (مگر آنچه پیدا است) صورت و دست‌ها (از منج به پایین) را از وجوب پوشاندن استثنا می‌کند. رعایت این حد از حجاب در قانون جمهوری اسلامی ایران در تبصره ۶۳۸ ضروری دانسته شده و تخلف از آن جرم تلقی شده است.

شبکه اجتماعی: منظور از شبکه‌های اجتماعی آن دسته از وبگاه‌ها و نرم‌افزارهایی هستند که طیف وسیعی از تعاملات اجتماعی با دوستان و اعضای خانواده را امکان‌پذیر می‌کنند. شبکه‌های اجتماعی مجازی نسل جدیدی از وبگاه‌های اینترنتی هستند. این شبکه‌ها با پیشرفت فناوری در قالب نرم‌افزارهایی برای موبایل‌ها و دیگر ابزارهای ارتباطی نیز تعریف شده‌اند و قابل دسترسی هستند. دراین شبکه‌ها، کاربران حول محور مشترکی به‌صورت مجازی دور یکدیگر جمع می‌شوند و گروه‌هایی را تشکیل می‌دهند. درواقع، شبکه اجتماعی شبکه‌ای متشکل از افراد و گروه‌ها و ارتباطات بین آنهاست. دراین پژوهش شبکه اجتماعی یوتیوب مطالعه شده است.

دلالت معنایی: دلالت، به حالتی گفته می‌شود که انسان از علم به یک چیز، به چیز دیگری علم پیدا کند (خوانساری، ۱۴۰۲، ص ۶۱). این دلالت می‌تواند صریح باشد و براساس ظواهر، فهم

۱. قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ یَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَیَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا یُذِیْنُ زَیْنَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَیْضَرْبْنَ بِأُخْرُجِهِنَّ عَلَى جُوبِهِنَّ وَلَا یُذِیْنُ زَیْنَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنَى إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَکَتْ أَیْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِیْنَ غَیْرَ أُولَى الْأُزْیَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الْطِفْلِ الَّذِیْنَ لَمْ یَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا یَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِّیُعْلَمَ مَا یُخْفِیْنَ مِنْ زَیْنَتِهِنَّ وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِیعًا آیة الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تَفْلَحُونَ

حاصل شود و هم می‌تواند دلالت ضمنی باشد؛ یعنی معنای درونی داشته باشد که براساس شواهد کشف می‌شود (رولان بارت،^۱ ۱۳۹۲، ص ۶۳).

مروری بر تحقیقات پیشین

نتایج مطالعات پژوهشگران در زمینه حجاب را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. دسته اول تحقیقاتی است که در آن مقوله حجاب، به‌عنوان یک ابزار هویت‌یابی بررسی شده است. هویت‌یابی، تمایز‌یابی و تغییر در جایگاه فرد که با توسل به پوشش نیز انجام می‌گیرد. تأکید بر تقیدات دینی (الغافلی^۲ و همکاران، ۲۰۱۷)، میل به دیده شدن (راودراد و گیشنیزجانی، ۱۳۹۶)، تمایز (الیاسی سرزلی، ۱۳۹۱) و انگیزه‌های مدگرایانه (سلبای^۳، ۲۰۱۴؛ حسن، ۲۰۱۶، رسول‌زاده اقدم و همکاران، ۱۳۹۵ و پاشامیری، ۱۳۹۵)، مدیریت بدن (دراوج^۴ و همکاران، ۲۰۱۶) در این دسته جای می‌گیرند؛
۲. دسته دوم پژوهش‌هایی است که به فرایند جهانی‌شدن و گسترش ارزش‌های سکولار از طریق تکنولوژی‌های ارتباطی می‌پردازند. تحقیقات بالدی^۵، ۲۰۱۸، رستگار خالد، ۱۳۹۱، والدرز^۶، ۲۰۱۶، آتش زاده شوریده و همکاران، ۱۳۹۵، خواجه‌نوری و همکاران، ۱۳۹۱، احمد و روچ^۷، ۲۰۱۸ و تپال^۸، ۲۰۱۷ در این دسته می‌گنجد. نتایج این تحقیقات نشان می‌دهد مهم‌ترین سبک کنش اجتماعی مؤثر در رعایت حجاب، کنش دینی بوده و سبک مقابل آن، کنش سکولار است. همچنین، نتایج این تحقیقات نشان می‌دهد که مصرف ماهواره و اینترنت در سبک کنش مؤثرند؛ بدین ترتیب که با افزایش ساعات مصرف با هدف تفریح و سرگرمی، کنش دینی نسبت به حجاب، کاهش و کنش سکولار نسبت به آن افزایش می‌یابد؛
۳. دسته سوم تحقیقاتی است که بر حجاب به‌عنوان ابزار سیاسی تأکید شده است. نتایج این تحقیقات نشان می‌دهد که حجاب به‌عنوان یک ابزار مبارزه سیاسی (علینقیان و

1. Roland Barthes

2. Alghafli

3. Selby

4. Đurović

5. Baldi

6. Valdez

7. Ahmed & Roche

8. Topal

همکاران، ۱۳۹۲، الغافلی^۱ و همکاران، ۲۰۱۷، کوو^۲، ۲۰۱۸، وانزان^۳، ۲۰۱۶)، نشانگر قدرت تصمیم‌گیری (احمد، ۲۰۱۸) یا وسیله‌ای در راستای اهداف آزادی‌خواهانه (حسن، ۲۰۱۸^۴، پگونتسوا، ۲۰۱۷^۵) تلقی می‌شود.

وجه نوآورانه تحقیق پیش‌رو از دو جنبه قابل توجه است. بخشی از تمایز این مطالعه با تحقیقات پیشین از این‌روست که پژوهش‌های کیفی زمینه‌محورند؛ از این‌رو کشف یک پدیده در دل بستری متفاوت مانند فضای مجازی می‌تواند دلالت‌های ویژه‌ای را در فهم و شناخت پدیده حجاب و در پی آن فهم کنشگری افراد در میدان اجتماعی آشکار کند. همچنین، دیگر پژوهش‌های ذکر شده به پدیده پوشش به‌طور کلی پرداخته‌اند؛ اما تحقیق حاضر به گونه‌شناسی دلالت‌های معنایی کاربران فضای مجازی پرداخته است؛ زیرا محرک و مقوم جنبش‌های اجتماعی در عصر کنونی فضای مجازی است؛ جایی که افراد بدون ترس نظرات خود را به اشتراک می‌گذارند.

چارچوب مفهومی

در پژوهش کیفی، چارچوب نظری خاصی استفاده نمی‌شود؛ بلکه حساسیت نظری دارای اهمیت است؛ از این‌رو به‌مرور به نظریه‌های جامعه‌شناسی مرتبط با پوشش پرداخته می‌شود که در تفسیر مسئله پوشش بتوانند راهگشا باشند. در اینجا از نظریات گیدنز^۶، بوردیو^۷، گروسکی^۸، اینگلهارت^۹ و کاستلز^{۱۰} بهره برده شده است؛ زیرا این نظریه‌ها در تبیین و تفسیر پدیده‌های اجتماعی هم عاملیت کنشگران و هم محدودیت‌های ساختاری را در نظر می‌گیرند.

پوشش و مسئله هویت

آتوننی گیدنز مسئله پوشش را به برساخت هویت، بدن و آگاهی فزاینده افراد، در عصر تشدید پیامدهای مدرنیته نسبت می‌دهد. به عقیده وی، هویت اجتماعی همان ویژگی‌هایی است که فرد

1. Alghafli

2. Koo

3 Vanzan

4 Hasan

5 Pogontseva

6. Giddens

7. Bourdieu

8. Gorski

9. Inglehart

10. Castells

بدان آگاهی دارد و باید آن را به طور مداوم و روزمره بسازد و در فعالیت‌های بازانديشانه خویش از آن حفاظت و پشتیبانی کند، گیدنز در این باره می‌نویسد:

امروزه افراد در چنان وضعیت نامشخصی قرار دارند که ناچار باید شیوه زندگی و رفتارهای کنشی خاصی (پوشش، مدیریت بدن، رژیم‌های غذایی خاص و...) را انتخاب کنند تا از مشکل تصمیم‌گیری در هر موقعیت خاصی رهایی یابند؛ اما این کار بر تغییر هویت شخص و بازتعریف آن تأثیر بسزایی می‌گذارد. براساس بررسی گیدنز در دنیای متجدد، پرسش "چگونه باید زندگی کنم؟" را باید با تصمیم‌گیری‌های روزمره درباره چگونه رفتار کنم، چه پیوشم و چه بخورم پاسخ گفت و در انتها با عبور این پاسخ از صافی هویت شخصی خویش، آشکارا عرضه داشت (۱۳۸۸، ص ۱۱۹).

بورديو نیز یکی از کارکردهای پوشش را تمایز بخشی میدان می‌داند؛ به گونه‌ای که سبک استفاده از کالاهای، روش‌های لباس پوشیدن، آرایش کردن و... را اجزای اصلی تشکیل دهنده هویت می‌داند (سیدمن^۱، ۱۳۸۶، ص ۱۹۹).

پوشش و مسئله سکولاریسم

یکی از مهم‌ترین نظریاتی که می‌توان با آن پدیده واکنش به حجاب اجباری را تحلیل کرد، نظریه‌های سکولاریسم یا عرفی شدن است. در نظریات سکولاریسم، دین یک امر قراردادی است نه یک حقیقت الهی و ماورایی، بنابراین حجاب که از شاخص‌های دینداری است نیز امری قراردادی و بشری تلقی می‌شود. گروسکی (۲۰۰۰) و اینگلهارت (۱۳۸۳) در موضع‌گیری مشابهی به مقوله دین پرداخته‌اند. زمانی که دین از ماورالطبیعه جدا و به اصطلاح عرفی شود، بسیاری از الزامات دینی نیز عرفی می‌شوند. بنابراین، از آنجاکه دین ماورائی به زوال می‌رود، الزامات آن نیز تغییر می‌کند. حجاب دیگر یک دستور واجب‌الاطاعه الهی نیست؛ بلکه به نوعی تصمیم شخصی و مربوط به حوزه خصوصی است که هیچ‌کس حق دخالت در آن را ندارد و در خوش‌بینانه‌ترین حالت، حجاب به مثابه یک مد تلقی می‌شود که پیروی از آن، به سلیقه افراد برمی‌گردد. ردپای این نگاه، در بسیاری از نظرات درج شده ذیل پوشش‌های مجازی حجاب قابل مشاهده است.

براساس این نظریات می‌توان استنباط کرد که شبکه‌های مجازی، محصول و مخلوق کنش معنادار کنشگران است و افراد چنین محیطی را خلق کرده‌اند؛ اما این محیط پس از شکل گرفتن

1. Seidman

محدودیت‌هایی را بر عاملان اعمال می‌کند و خود یکی از منابع هویت‌ساز می‌شود. فضای مجازی می‌تواند هویت دینی افراد را تحت تأثیر قرار دهد و مؤلفه‌ها و معنای دینداری را در ذهن مخاطبان تغییر دهد.

پوشش و شبکه‌های اجتماعی

کستلز در نظریه جامعه شبکه‌ای می‌گوید: روابط اجتماعی از جمله روابط پدرسالارانه در جامعه شبکه‌ای با بحران روبه‌رو خواهد شد و بازتعریفی جدید از روابط خانوادگی، روابط زن و مرد، جنسیت و شخصیت به دست خواهد آمد و اقتدار پدرسالارانه هم به دلایل ساختاری (مرتبط با اقتصاد اطلاعاتی) و هم به دلایل تأثیر جنبش‌های اجتماعی (فمینیسم، مبارزات زنان و آزادی جنسی) در بیشتر مناطق جهان به چالش کشیده خواهند شد (۱۳۸۰، ص ۴۲۸).

روش تحقیق

روش به مقتضای موضوع پژوهش طراحی می‌شود. اقتضای پژوهش پیش‌رو «دلالات‌های معنایی» است. از این جهت باید از روش تحلیل مضمون^۱ بهره برد. تحلیل مضمون شیوه‌ای در روش پژوهش کیفی است که بر شناسایی، تحلیل و تفسیر الگوی معانی داده‌های کیفی تمرکز دارد. مضمون، عنصر مهم در این روش است. مضمون‌ها پرارزش‌ترین واحدهایی هستند که در تجزیه و تحلیل محتوا باید مدنظر قرار گیرند و منظور از مضامین معنای خاصی است که از یک کلمه یا جمله یا پاراگراف مستفاد می‌شود.

با توجه به ماهیت رویکرد افراد به حجاب که پدیده‌ای کیفی است و از آنجایی که حجاب پدیده ذهنی و انتزاعی است که هر فرد بنا به ادراک خود آن را به شکلی منحصر به فرد درک می‌نماید و براساس ادراک‌ها و باورها و برداشت‌های خود با آن مواجهه می‌نماید، روش درخور برای بررسی روش کیفی است (آتش زاده شوریده و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱۷). در این پژوهش، هدف، درک دلالت معنایی حجاب از دیدگاه کاربران است. بنابراین، از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. واحد تحلیل در این پژوهش تمام نظرات درج شده ذیل فیلم‌های بارگذاری شده شبکه اجتماعی یوتیوب می‌باشد.

در پژوهش‌های کیفی، تعداد نمونه مورد مطالعه، اغلب مشخص و از پیش تعیین شده نیست و حجم نمونه با سطح اشباع‌پذیری ارتباط تنگاتنگ دارد. از این جهت تمام یادداشت‌ها بررسی شد و

انتخاب نمونه‌ها نیز تا مرحله اشباع نظری داده‌ها ادامه پیدا کرد. در نهایت، در بین هزاران یادداشت درج شده ۵۰۰ یادداشت با نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و تحلیل شد.

یافته‌های تحقیق

تحلیل نظرهای درج شده در پویش‌های مجازی مبارزه با حجاب یوتیوب نشان می‌دهد که طیف مخالفین، موافقین و بی تفاوت‌ها در امر حجاب تفاسیر متفاوتی از پوشش دارند و برای تقابل با رویکرد رقیب از راهبردهای متفاوتی بهره می‌گیرند که در جدول‌های زیر به آن پرداخته شده است.

جدول ۱: دلالت معنایی کاربران مخالف حجاب اجباری

مقوله	زیر مقوله	مفاهیم	مصادیق
دلالت معنایی کاربران مخالفان حجاب اجباری	دلالت ضد دینی	باستان گرایی	اینها [معتزضان به حجاب] انتقام آنچه که در این ۱۴۰۰ سال به سرزمین ما رفت، خواهند گرفت.
		نژادپرستی	اون حجابی که عربای تازی هوسران واسه خودشون به وجود آوردن به ما ملت ایران تحمیل کردن....
		خرافه‌پنداری دین	دین یعنی جهالت
	دلالت ضد نظام سیاسی	دیکتاتور پنداری	شجاعت این دختر به خاطر این هست که در یک حکومت فاشیستی مذهبی دست به انتخاب زده.
		اعتقاد به چپاول گری نظام	دیکتاتورها همیشه نابود شدند، اینو تاریخ نشون داده، یه روزی ایران آزاد میشه...، زنده باد آزادی مرگ پر نظام استبدادی حکومت...
		توطئه غرب	شادمانم چون هرچه ظلم بیشتری کنند، بقایشان کوتاه‌تر خواهد بود
	دلالت‌های ضد روحانیت	تزویر	اینما همش بازی سیاسی. حکومت دست‌نشونده انگلیسی‌های خائنه
		مروج جهالت	این ملاها با این حرفا شما رو سرگرم کردن که کار خودشونو پیش ببرن
		مانع ترقی	ایرانی آزاد، برابری مرد و زن، به دور از خرافات و جهالت، و بهشت ایرانی می‌سازیم، سمبل آزادی، درود بر روشنفکران، مرگ بر جهالت آخوندی
			ایران با این طرز تفکر قرون وسطایی به جایی نخواهد رسید. تا چنین اشخاصی با این طرز تفکر هستند باید هم ملاها بهشون حکومت کنند.

دلالت‌های عرفی شدن	تلقی دین به عنوان امری شخصی	دین یک مسئله شخصی هست. ما به انتخاب مردم باید احترام بگذاریم، حیا هیچ ربطی به حجاب یا بی‌حجابی نداره. حیا یک خصوصیت اخلاقی و فردیه، اگر پوشش و حجاب حیا می‌آورد که این همه چادری بی‌حیا و بددهن نداشتیم.
	تقدس زدایی	به نظر من اگه کاری به دین و خدا و پیغمبر هم نداشته باشیم و عاقلانه بخواهیم عمل کنیم انسان باید در هر محیطی قرار می‌گیره تابع مقررات اون محیط باشه. چیز مقدسی وجود نداره که به خاطرش چیزی اجبار بشه اینها همش نقشه اعراب هس
	جدایی دین از سیاست	زنده باد جدایی دین از حکومت و سیاست، زنده باد سکولاریسم
دلالت حق انتخاب	آزادی پوشش	امیدوارم روزی بشه که هر کی هر جور خواست در مملکت خودش بتونه رفت و آمد کنه؛ چون خداوند همه انسان‌ها رو آزاد آفریده. تا جایی که مزاحم آزادی دیگران نشود. این خانم هم به هر منظوری که این کارو کرده از نظر قانون ایران کار خطایی کرده اما از نظر انسانی هیچ خطایی مرتکب نشده
	آزادی بیان	به امید روزی که شاهد دموکراسی و آزادی بیان، حجاب، اقتصاد سالم و مهم‌تر از همه امیدوار به زندگی باشیم آمین.
	آزادی تفکر	همه با هم برای رفاندوم، برای آزادی، برای رفاه، برای اندیشه و انسانی و برای ایران اگر قراره چیزی آزاد بشه، آزادی اندیشه هس، بحث بحث حجاب نیست، بحث حرف زوره، و البته خود ما زنان ایرانی زیر بار زور رفتیم و خودمون کمک کردیم به این خفت و خواری کشیدن‌ها آن زمان که بنهادم سر به پای آزادی دست خود ز جان شستم از برای آزادی
دلالت اقتصادی	جذب گردشگر	همین حجاب باعث شده گردشگر نیاد ایران میدونید چقد به ضررمون هس، دلمون به پول نفت خوشه کشورای دیگه درآمدشون از گردشگری هس؛ اما تو ایران به خاطر حجاب اجباری توریست نمی‌یاد

۱. دلالت ضد دینی

باستان‌گرایی، نژادپرستی و خرافه‌پنداری از مفاهیم زیرمقوله دلالت ضد دینی است. از آنجاکه حجاب مستقیماً از منشأ دینی سرچشمه می‌گیرد، برخی از مخالفان حجاب به صورت رادیکال با دین و دینداران مخالفت می‌کنند و دین‌داری را عامل همه مسائل و کمبودها می‌دانند؛

۲. دلالت ضد نظام سیاسی

همه کسانی که با دین و دینداران مخالف هستند، به طریق اولی با حاکمیت دینی مخالفند، اما کسانی که با حاکمیت دینی مخالفند لزوماً با دین و دینداری مشکلی ندارند. در بین یادداشت‌ها، کاربرانی از هر دو طیف مشاهده شد. اما نکته قابل تأمل اینکه یادداشت‌های مخالفان نظام سیاسی و مخالف دین و مقدسات دینی با اختلافی اندک با هم برابری می‌کرد؛

۳. دلالت ضد روحانیت

گرایش‌های ضد روحانیت لزوماً به معنای ضد دین بودن افراد نیست. در فرایند عرفی شدن و جدایی دین از عرصه عمومی نقش روحانیت به امور معنوی و مناسکی محدود می‌شود. حال اگر روحانیون در مناصب اجرایی و سیاسی فعالیت داشته باشند، هر اعتراضی به نظام سیاسی و اجتماعی اعتراض به منصب روحانیت در پی خواهد داشت و تا جایی پیش خواهد رفت که همه مشکلات اجتماعی و اقتصادی، ناشی حضور روحانیون تلقی می‌شود؛

۴. دلالت عرفی‌گرایی

دنیاگرایی، مادی‌گرایی، زمینی‌پنداشتن هرآنچه که هست، به حاشیه راندن و محدود کردن حوزه دین، تأکید بر عقل ابزاری، علم‌گرایی، جدایی دین از حوزه اجتماع همگی دلالت بر سکولاریسم یا همان عرفی شدن دارد که در نظرات بسیاری از کاربران مشاهده شده است. سعی در زمینی کردن همه مقدسات یعنی از خداوند تا همه اولیای او، به صورت بسیار گسترده در بین یادداشت‌های کاربران مشاهده می‌شود. کاربران از هر ابزار کلامی استفاده می‌کنند تا به مبارزه با کسانی برخیزند که برای حجاب اجباری استنادات دینی می‌آورند. این کاربران برای هیچ یک از مقدسات استثنا قائل نیستند و در طیفی از فحاشی‌های بسیار رکیک تا استدلال‌ات فلسفی سعی در تقدس‌زدایی از امور دینی را دارند؛

۵. دلالت حق انتخاب

تأکید بر آزادی و داشتن حق انتخاب و اعتراض به دخالت دولت در شخصی‌ترین مسئله یعنی پوشش، دخالت پنداشتن امر به معروف و نهی از منکر، تأکید بر سلیقه شخصی از دیگر دلالت‌های معنایی است که کاربران به آن اشاره کرده‌اند؛

۶. دلالت اقتصادی

افرادی که دلیل فساد و مسائل اجتماعی را ناشی از اقتصاد رانتی و اتکا به نفت می‌دانند، از هر فرصتی برای منابع جایگزین درآمد دولتی استفاده می‌کنند. یکی از این عرصه‌هایی که به شدت مورد تأکید صاحب‌نظران علم اقتصاد است، بحث توریسم یا گردشگری است. در ایران با وجود جاذبه‌های تاریخی، مذهبی و طبیعی هنوز صنعت گردشگری رونق نگرفته است که دلیل ضعف در این عرصه افزون بر علل مدیریتی، بحث اسلام‌هراسی است. برخی کاربران از اعتراض علیه حجاب اجباری حمایت می‌کنند؛ زیرا معتقدند حجاب اجباری یکی از مؤلفه‌هایی است که صنعت توریسم را تضعیف می‌کند و حجاب نشانگر انسداد و اختناق سیاسی و جلوه‌ای از فقدان آزادی تلقی می‌شود.

راهبرد مخالفان حجاب اجباری

بازتعریف مفاهیم

یکی از مهم‌ترین راهبردهای مخالفان حجاب اجباری بازتعریف مفاهیم سنتی و مذهبی مانند غیرت، حیا، پاکدامنی و عفاف است. کاربران برای توجیه دیدگاه‌های خود به صورت قابل توجیهی دست به بازتعریف این مفاهیم می‌زنند. به طور مثال، غیرت را دادن حق انتخاب به زنان، حیا را در ذات و غیرمرتبط با ظاهر تعریف می‌کنند و مفاهیمی را به چالش می‌کشند که گفتمان مسلط آن را تعریف کرده است.

خوداجتهادی

بریکولاژ^۱ یا خوداجتهادی از دیگر راهبردهای کاربرانی است که می‌خواهند هم دینداری را در حدی نگه دارند و هم به آزادی‌های مدنظر خود برسند. درواقع، دینداری را با پدیده‌ای مثل بی‌حجابی جمع کنند. آنها از قرائت‌های رسمی فاصله گرفته و به تفسیر و اجتهاد می‌پردازند.

۱. در واژه نامه ویکی دیکشنری ذیل مفهوم بریکولاژ آمده است: «در مطالعات فرهنگی، بریکولاژ به معنای فرآیندی است که به وسیله آن مردم با جذب سوزنه‌هایی از میان طبقات مختلف اجتماعی، هویت‌های جدید فرهنگی خلق می‌کنند». نخستین بار واژه بریکولاژ توسط «زیمل» در جامعه‌شناسی به کار رفت. همچنین، به معنای «پدید آوردن خلافتانه معنا از طریق به کارگیری عناصر گفتمانی پیشین» است (شهابی، ۱۳۸۸).

پرخاش کلامی

پرخاشگری کلامی از دیگر راهبردهاست. این راهبرد نه فقط در یادداشتهای مندرج ذیل فیلمهای این پویش، که در تمام تعاملات فضای مجازی به چشم می خورد. زمانی که استدلالها ضعیف می شوند، ابزار تهمت و افترا و فحاشی کاربران به یکدیگر یا شخص مورد بحث افزایش می یابد.

قیاس

مقایسه با کشورهای غربی و بی حجابی در دیگر مناطق دنیا از دیگر راهبردهای مقابله با موافقین حجاب اجباری است. به عنوان نمونه، کاربری نوشته است: «تو همه دنیا حجاب اختیاریه، مگه ایران چه فرقی با تموم دنیا داره...»

جدول ۲: دلالت های معنایی کاربران موافق حجاب اجباری

مقوله	زیر مقوله	مفهوم	مصادیق
دلالت های معنایی موافقان حجاب اجباری	دلالت دینی	تبعیت از احکام متقن الهی	بی بندوباری عذاب سختی داره خدا خودش تو قرآن گفته زنان باید خودشونو بیوشون و مردا هم چشمشون رو کنترل کنن. حرف آخوندای نیس، حرف خدایس
		ادای دین به شهدا	ما تو کشوری زندگی می کنیم که بابتش هزاران شهید دادیم. پس جای اینجور افراد بی حیا داخل این کشور نیست. چطور شهدای عزیز که از جوانی و خواسته هاشون گذشتن واستون مهم نیستن؛ ولی به فکر آزادی زنان هستین، یه عده که همچین بانو، بانو می کنن و نگران آزادی زن ها هستن که آدم به تحیر فرو میره
	دلالت قانونی	احترام به قانون اساسی	هرکی بگه من قانون رو قبول ندارم و کار خودشو بکنه سنگ روی سنگ بند نمیشه.
		مجازات خاطیان قانون	هر قانونی خوب نیست؛ ولی بد قانونی بهتر از بی قانونیه. باید از راه درست و اصولی یه قانون رو تغییر داد نه با قانون شکن و بی احترامی به قانون. هر کسی قانون شکنی کنه حقشه مجازات بشه.
	دلالت غیر مستقیم	منتسب کردن اعتراضات به دشمن خارجی	به قانون این کشور بی احترامی کردن، آب تو آسیاب دشمن ریختنه. انگلیسی که این همه بلا سر این کشور آورد، رسانه هاش از شما دفاع می کنن و خوشحال از کار شما اگر باور ندارید یه کم تاریخ بخونید. به نظر شما چرا یک شخص در ایالات متحده باید برای ابرونی ها پویش راه بندازه که پوششی را که ایرانی ها قبل از اسلام هم داشتند از بین ببرد. مردمی که تاریخ خود را نخوانند، آن را تکرار می کنند.
		تردید در استقلال اعتراضات از احزاب سیاسی برای سرگرمی مردم	این کلک ها را خود دولت ترتیب داده که فشار بر حجاب را زیاد کنه و آن را عواقب نارضایتی و تظاهرات های اخیر جلوه بده

دلالت دینی

پررنگ‌ترین معنایی که اغلب کاربران مخالف اعتراض به حجاب به رفتار معترضان داده‌اند، از دین مایه می‌گیرد. آنها کنش معترضان را غیردینی و گناه تلقی می‌کردند که عقوبت این جهانی و آن جهانی به دنبال دارد.

دلالت قانونی

پس از معنادهی دینی، مهم‌ترین معنایی که به کنش معترضان داده شده بود، دلالت قانونی است. لزوماً کسانی که به لحاظ مدنی با این حرکت مخالف بودند، دیندار نیستند. به اذعان خود کاربران که گفته بودند درست است که دیندار نیستیم، اما خود را مقید به قانون می‌دانیم. درواقع، مقید به قانون بودن را نشانه هویت شهروندی می‌دانستند که تخطی از آن استحقاق مجازات را به دنبال دارد.

دلالت غیرستیز

انتساب رفتار معترضان به دشمنان خارجی با هدف تزلزل یا براندازی نظام سیاسی از دیگر معنایی بود که کاربران به رفتار معترضان می‌دادند که مصادیق آن در جدول ۲ آمده است.

راهبرد موافقان حجاب اجباری

تأکید بر مرزهای امر مقدس و عرفی

یکی از مهم‌ترین استدلال‌های مخالفین اعتراض به حجاب استدلال‌های دینی است. اینکه حجاب یک دستور الهی است که در کتاب و سنت بر آن تأکید شده است و زنان مقدس در طول تاریخ پوشیده بوده‌اند. افزون بر آن حجاب را به عنوان یکی از مؤلفه‌های رعایت تقوا، تزکیه نفس و رضای خداوند تلقی می‌کردند. مثلاً کاربرانی با استناد به آیات استدلال می‌کردند که پس آیه قرآن در مورد حجاب برای چه کسی نازل شده «و به زنان مؤمن بگو که چشمان خویش فروگیرند و شرمگاه خود نگه دارند و زینت‌های خود را جز آن مقدار که پیداست آشکار نکنند و مقنعه‌های خود را تا گریبان فروگذارند و زینت‌های خود را آشکار نکنند».

فرافکنی

موافقان حجاب اجباری به اغراض غیر مرتبط با بحث آزادی و حجاب اشاره می‌کنند و سعی در افشای این اغراض (که در هاله‌ای از اعتراض نمادین پنهان شده) دارند. مثلاً کاربری علیه اعتراض به حجاب اجباری نوشته است: «شک نکنید این کارش واسه پناهندگی بوده» یا کاربر دیگری

نوشته است: «حقوق می گیرن که اینجوری بگن» یا کاربران دیگری علت این حرکت را مصرف مواد مخدر یا روانگردان دانسته اند: «بدبخت وضعش تابلو بود از این معتادای مشروبی».

قیاس

موافقان حجاب در راهبردی مشابه مخالفان دست به مقایسه می زنند؛ مثلاً، «واقعاً به کامنت بعضی ها باید خندید که حجاب رو مختص اسلام می دونن!! درحالی که همینایی که دم از وطن پرستی می زنن اگه به ذره مطالعه می کردن می فهمیدن حجاب در ایران باستان و خیلی از فرهنگ و ملل هم بوده و «آزادی هم بی بند و باری نیست!!! معنای آزادی رو اشتباه فهمیدید. به نگاه به غرب بکنید. از هر سه زن به یکیشون تجاوز میشه!! یا «از غرب و مصائبی که گریبان گیر جوامع به اصطلاح آزاد رو گرفته عبرت بگیرید. بی حجابی و بی عفتی در ابتدا به ضرر خود زن می باشد»

جدول ۳: دلالت های معنایی کاربران بی تفاوت ها در امر حجاب

مقوله	زیر مقوله	مفهوم	مصادیق
دلالت معنایی بی تفاوت ها در امر حجاب	دلالت رفاه زدگی	بیکاری	یه مشت دختر بیکار علاف که خوشی زده زیر دلشون
		نداشتن مشکل	این کارا همش از سر شکم سیریه
	دلالت برجسته سازی مسائل دیگر	تأکید بر مسائل دیگر زنان	به جای این کارا آستین ها رو بالا بزن برو به میلیون ها زنی که تو روستاها و شهرهای دورافتاده از امکانات اولیه محروم هستن کمک کن اگه واقعاً به فکر زن هایی
			[ماجرای حجاب] عین این می مونه که مثلاً به مدرسه ای همه چیزش حتی موزاییکاشم مشکل داره بعد شما بری به نمره فیزیک اعتراض کنی
	دلالت بی تفاوتی مدنی	مسئولیت گریزی	چقد تو ایران به این چیزا اهمیت می دن چه نظام، چه مردم، بی حجابی که مهم نیس
			دنبال دردرس می گردیدا!

راهبرد بی‌تفاوت‌ها در امر حجاب

جدی نگرفتن مبارزان حجاب اجباری

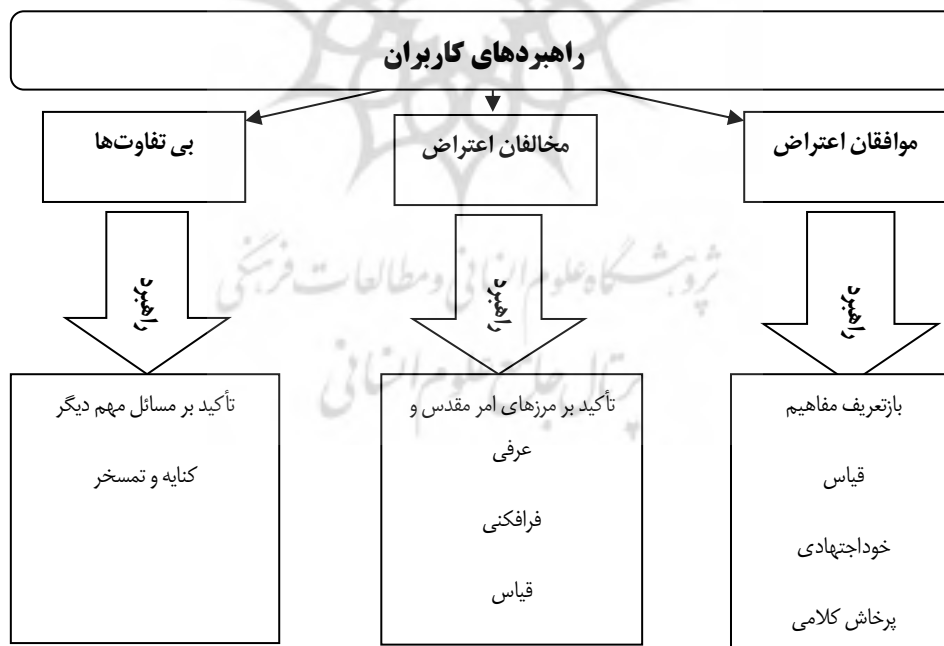
یکی از برجسته‌ترین راهبردهای بی‌تفاوت‌ها در امر حجاب این است که سطح تأثیرگذاری مبارزان با حجاب اجباری را بسیار نازل می‌دانند و آنها را در حد مبارزه نمی‌دانند؛ مثلاً کاربری نوشته بود: با این چیزا نمی‌تونید انقلاب کنید. برخی دیگر از کاربران نیز موضوع مبارزه را (حجاب) موضوعی بی‌اهمیت تلقی می‌کنند، امثال این نظر که مشکلتون با یه تیکه پارچه هس؟ دراین دسته جای می‌گیرند.

کنایه و تمسخر

گروهی دیگر از بی‌تفاوت‌ها با تمسخر و کنایه به مبارزان حجاب واکنش نشان داده‌اند. مثلاً، «اینکه رفته بالا روسری تکون میدختره یا پسر؟»، «امان از بی‌شوهری»، «ملت همیشه در صحنه دوربین به دست».

سه قسم از راهبردهای اتخاذ شده توسط کاربران، در مدل زیر قابل مشاهده است:

مدل ۱. راهبردهای کاربران در قبال اعتراض به حجاب



بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که حجاب در غرب به ابزاری برای مقاومت فرهنگی و اعتراض بدل شده است، بی‌حجابی نیز می‌تواند در یک جامعه دینی چنین خصلتی بگیرد. در یک مقاومت عرفی گرایانه، حجاب به یک امر شخصی بدل می‌شود و وسیله‌ای نمادین برای کسب آزادی‌های مدنی تلقی می‌شود. با تبدیل شدن حجاب به دغدغه فرهنگی، کنترل مخالفت علنی با دین و پیامدهای آن و همچنین توجه عمومی به این مسئله، اهمیت بررسی علمی مقوله حجاب افزایش می‌یابد (عرب باقرانی و ملاحسنی، ۱۳۹۲، ص ۸۶). بستر مطالعاتی این پژوهش روی فضای مجازی است؛ زیرا شبکه‌های مجازی با زمینه‌سازی برای اشاعه حرکت نمادین انفرادی، قدرت بسیج‌کنندگی را افزایش می‌دهند.

اگر شبکه‌های اجتماعی به این اندازه گسترش نیافته بود، تحرکات فردی در ازدحام مسائل دیگر فراموش می‌شد و هرگز به جنبش یا بسیج‌کنندگی نمی‌رسید. به مدد شبکه‌های اجتماعی افراد قادر می‌شوند، باز نمود سیاسی رسمی و گفتمان حاکم بر عرصه فرهنگ و جامعه را به چالش بکشند. فضای مجازی شجاعت کنش‌گران منفرد اجتماعی را برای تکرار این اقدامات برمی‌انگیزد که در این صورت از طریق خلق نمادها (بستن شال به چوب و تکان دادن آن)، اشکال جدیدی از مقاومت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... را به وجود می‌آورد. در اینجا حجاب یک ابزار گفتمانی است که زنان را به عنوان عاملیت‌هایی اجتماعی تبدیل می‌کند (دبابتی، ۲۰۱۷، ص ۴۳۳).

افرادی که در فضای عمومی کشف حجاب می‌کنند و کسانی که از این حرکت حمایت می‌کنند، معمولاً در قبال نقض قانون توجیهاتی را ارائه می‌دهند. مثلاً، برخی از آنها حرکت خود را آسیب به فضای اجتماعی تلقی نمی‌کنند، برخی دیگر این حرکت را مبارزه با قوانین ظالمانه و ناعادلانه می‌پندارند، برخی گروه مرجع خود را کسانی غیر از گروه‌های مرجع مورد نظر گفتمان مسلط معرفی می‌کنند که در پی رفع انتظارات آنها هستند، برخی مسئولیت کار خود را به گروهی بزرگ‌تر که اغلب سیاسیون و گاه دینداران افراطی هستند، نسبت می‌دهند و اذعان می‌کنند که قانون‌شکنی آنها به علت انسداد فضای سیاسی و مدنی است.

همان‌طور که از تحلیل کاربران یوتیوپ در پویش‌های مبارزه با حجاب اجباری برمی‌آید، سه گروه مخالفان، موافقان و بی‌تفاوت‌ها را می‌توان شناسایی کرد که هر کدام دلالت‌های معنایی خاص خود را دارند و راهبردهای ویژه‌ای را دنبال می‌کنند. همچنین، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد

افرادی که کشف حجاب می‌کنند یا از اعتراض به حجاب اجباری دفاع می‌کنند، به سه گروه قابل تقسیم‌اند:

گروه اول، کسانی هستند که دوزیستی فرهنگی را پذیرفته‌اند؛ یعنی کسانی که هم به بی‌حجابی معتقدند و هم به اعتقادات دینی پایبندند. برخی از این افراد با خوداجتهادی دست به کشف حجاب می‌زنند. درواقع، از قرائت‌ها و تفسیرهای رسمی دین دست می‌کشند و خود به توجیه دینی کار خود می‌پردازند. البته در بریکولاژ یا خوداجتهادی این افراد بیشتر از آنکه به توجیهات دینی مقید باشند، به توجیهات گفتمانی گروه مرجع خود متمسک می‌شوند. در خوداجتهادی مدرن افراد بر سر دو راهی قرار می‌گیرند. به‌عنوان مثال، یا باید از هنجارهای دینی پیروی کنند یا از هنجارهای غیردینی. اما چیزی که در خوداجتهادی پست‌مدرن شاهد آن هستیم، افراد بدون احساس تناقض و تعارض هویتی همه هنجارها را کنار هم نگه می‌دارند. مثلاً، در بحث حجاب برخی از افراد خود را دیندار می‌دانند؛ اما از پدیده بی‌حجابی که با نص صریح متون مقدس دینی در تناقض است، دفاع می‌کنند یا خود نیز به کشف حجاب دست می‌زنند.

گروه دوم، کسانی هستند که به مقاومت فرهنگی دست می‌زنند. در بحث حجاب کسانی که اعتراض‌های رادیکال به دین به‌صورت کلی و حجاب به‌صورت خاص دارند یا اعتراض آنها شکل مبارزه به خود می‌گیرد، در این دسته قرار می‌گیرند. نتایج تحقیقات (بالدی،^۱ ۲۰۱۸ و ۲۰۱۷، رستگار خالد، ۱۳۹۱، والدرز،^۲ ۲۰۱۶، آتش‌زاده شوریده و همکاران، ۱۳۹۵، خواجه‌نوری و همکاران، ۱۳۹۱، احمد و روچ،^۳ ۲۰۱۸ و تپال،^۴ ۲۰۱۷) در همین راستاست. این گروه را می‌توان مخالفان اصل دینداری دانست. در همین زمینه باید گفت که جامعه ایران هنوز یک جامعه دینی است و اینترنت با ایجاد قدرت کنش‌زا، سوژه‌های اجتماعی را سازمان‌دهی می‌کند که بتوانند در برابر گفتمان مسلط [اسلام شیعی] به تبیین راهبرد دست بزنند (طاهری کیا، ۱۳۹۱، ص ۱۷۳).

اما گروه سوم کسانی هستند که معتقدند اعتراض به حجاب، یک مبارزه سیاسی است. درواقع، این یک کنش نمادین است که به‌عنوان زمینه‌ساز آزادی‌های دیگر کمک می‌کند. این نتیجه در راستای تحقیقاتی است که بر حجاب به‌عنوان ابزار فشار سیاسی تأکید می‌کنند. نتایج این تحقیقات نشان می‌دهد که اعتراض به حجاب به‌عنوان یک ابزار مبارزه سیاسی (علینقیان و

1. Baldi

2. Valdez

3. Ahmed & Roche

4. Topal

همکاران، ۱۳۹۲، الغافلی^۱ و همکاران، ۲۰۱۷، کوو،^۲ ۲۰۱۸، وانزان،^۳ ۲۰۱۶)، نشان‌دهنده قدرت تصمیم‌گیری (احمد، ۲۰۱۸) یا وسیله‌ای در راستای اهداف آزادی‌خواهانه (حسن،^۴ ۲۰۱۸، پگونتسوا،^۵ ۲۰۱۷) تلقی می‌شود.

با استفاده از نظریه ساخت‌یابی می‌توان استنباط کرد که هرچه کاربران با فعالیت بازاندیشانه و مشارکت‌جویانه در شبکه‌های اجتماعی حضور یابند، بیشتر در تولید معنا سهیم هستند و از این‌رو، احتمال تأثیرپذیری آنها بیشتر است؛ ولی هرچه کاربران منفعل و غیرمشارکت‌جویانه در شبکه‌های اجتماعی حضور یابند، کمتر در تولید معنا سهیم هستند و احتمال تأثیرپذیری آنها کمتر خواهد بود (رسول‌زاده اقدم و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۴۲). براساس این، تعاملات مجازی در فضای یوتیوب درواقع، به بازتعریف مفاهیمی منجر می‌شود که پیش از آن وجود نداشته است؛ مفاهیمی مانند حیا، عفت، پاکدامنی، غیرت بازتعریف^۶ می‌شوند.

به‌طور خلاصه، می‌توان گفت که واکنش کاربران پوشش‌های اعتراض به حجاب اجباری از لایه‌های معنایی مختلفی تشکیل شده است و در راستای این معنادهی، کنشگران از راهبردهایی برای اقناع مخالفان فکری استفاده می‌کنند. داده‌های به دست آمده، جهت‌های فرهنگی و سیاسی درهم‌تنیده را نشان می‌دهد که کاربران برای تفسیر و توجیه وجه نظر خود به هر دلیلی متوسل می‌شوند. اما می‌توان این برداشت را نمود که چون حاکمیت به‌عنوان متولی فرهنگ مداخلات اجتماعی را انجام می‌دهد، هرگونه موضع‌گیری فرهنگی، سیاسی و هر نوع موضع‌گیری سیاسی، فرهنگی نیز تلقی می‌شود.

قوانین هر جامعه‌ای براساس جهان‌بینی و فلسفه‌ای مدون می‌شود. این جهان‌بینی مشخص می‌کند باید سکولاریسم را پذیرفت و نظام اجتماعی را مبتنی بر قرائت دین فردی بنا نهاد یا اسلام اجتماعی و مکتبی را سرلوحه قرار داد که داعیه‌دار برنامه‌ریزی در همه شئون بشری است. درواقع، با استانداردهای دوگانه نمی‌توان حکمرانی کرد؛ زیرا آشفتگی مدنی را به‌دنبال خواهد داشت. اگر نظام سیاسی جامعه ایران مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی و اسلامی بنا شده باشد، باید به‌تبع آن نظام

1. Alghafli

2. Koo

3. Vanzan

4. Hasan

5. Pogontseva

زمانی که مفاهیم از یک نظام معنایی وام گرفته می‌شود و در بستر معنایی دیگر خلق و بازسازی می‌شود، بازتعریف اتفاق می‌افتد. مثلاً، از مفهوم غیرت، احترام به سلیقه شخصی همسر در نوع پوشش برداشت می‌شود.

اجتماعی و فرهنگی نیز بر همین مبنا باشد. ازجمله راهکارهای نهادینه کردن فرهنگ حجاب و عفاف در جامعه اسلامی پرداختن به فلسفه حجاب و تبیین ابعاد گوناگون فردی، اجتماعی این حکم الهی است. دراین‌رستا، تحلیل پدیده اعتراض به حجاب اجباری و درک افراد از قانون‌شکنی حائز اهمیت است که دراین پژوهش به آن پرداخته شده است. پرداختن به مسائل این‌چنینی می‌تواند راهگشای سیاست‌گذاری‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی باشد.

پیشنهاد پژوهشی

با توجه به نتیجه این پژوهش، پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی به بررسی رابطه عرفی شدن و هویت پرداخته شود. همچنین، با توجه به اهمیت فضای مجازی و رسانه در شکل‌گیری کنش‌های اجتماعی، بررسی رابطه رسانه‌ای شدن و جنبش‌های اعتراضی اخیر می‌تواند راهگشای صاحب‌نظران علوم انسانی و سیاست‌گذاران باشد.



منابع

* قرآن کریم

۱. آتش‌زاده شوریده، فروزان، محتشمی، جمیله، عبدالجباری، مرتضی، و کرمخانی مرضیه (۱۳۹۵). عوامل تسهیل‌کننده و بازدارنده رعایت حجاب کامل توسط دانشجویان: یک مطالعه کیفی. پژوهش در دین و سلامت، ۲(۳)، ۱۴-۲۴.
۲. انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق). کتاب النکاح. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۳. اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۳). تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر. تهران: کویر.
۴. بارت، رولان (۱۳۹۲). اتاق روشن، ترجمه فرشید آذرنگ. تهران: حرفه.
۵. بی‌نا (۱۳۹۶). سیر تصویب قانون حجاب و عفاف در ایران. به نقل از پایگاه خبری فارس <https://www.farsnews.ir/news> گرفته شده در تاریخ ۱۴۰۲/۱۰/۲.
۶. پاشامیری، مسعود (۱۳۹۵). پژوهشی کیفی در باب دلالت‌های معنایی حجاب در میان دختران جوان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه هرمزگان.
۷. خواجه‌نوری، بیژن، روحانی، علی، و هاشمی، سمیه (۱۳۹۱). گرایش به حجاب و سبک‌های متفاوت زندگی (مطالعه موردی: زنان شهر شیراز). جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۳(۳)، ۱۴۱-۱۶۶.
۸. خوانساری، محمد (۱۴۰۲). منطق صوری. تهران: دیدار.
۹. خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۸). موسوعة الامام الخوئی. تحقیق و تصحیح پژوهشگران مؤسسه احیاء آثار آیت‌الله العظمی خویی، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
۱۰. راودراد، اعظم، و گیشنیزجانی، گلنار (۱۳۹۶). گونه‌شناسی الگوهای بازنمایی بدن رسانه‌ای کاربران ایرانی در اینستاگرام. مطالعات رسانه‌های نوین، ۳(۱۰)، ۲۶۵-۳۱۰.
۱۱. رستگارخالد، امیر، محمدی، میثم و نقی‌پور ایوکی، سحر (۱۳۹۱). کنش‌های اجتماعی زنان و دختران نسبت به حجاب و رابطه آن با مصرف اینترنت و ماهواره. مطالعات راهبردی زنان، ۵۶، ۷-۸۲.
۱۲. رسول‌زاده اقدم، صمد، عدلی‌پور، صمد، و میرمحمدتبار، سیداحمد (۱۳۹۵). مطالعه جامعه‌شناختی رابطه شبکه اجتماعی فیس‌بوک با مادی‌گرایی زنان. مطالعات جامعه‌شناسی، ۳۲، ۳۶-۵۳.

۱۳. سیدمن، استیون (۱۳۸۶). کشاکش آزاد در جامعه‌شناسی، ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.
۱۴. شهابی محمود (۱۳۸۲). جهانی شدن جوانی: خرده فرهنگ‌های جوانان در عصر جهانی شدن. مطالعات جوانان، ۱(۵)، ۲-۲۳.
۱۵. شهیدثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳ق). مسالک الافهام إلى تنقیح شرائع الاسلام، تحقیق و تصحیح گروه پژوهش مؤسسه معارف اسلامی. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۱۶. طاهری کیا، حامد (۱۳۹۱). حلول شر در ابژه‌های فرهنگی مطالعه موردی اینترنت در قالب تحلیل شبکه اجتماعی فیس‌بوک. مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۸(۲۹)، ۱۶۱-۱۸۰.
۱۷. طیبی نیا، موسی، و احمدی، حبیب (۱۳۹۲). مدل‌یابی معادلات ساختاری حجاب و عفاف. زن و جامعه (جامعه‌شناسی زنان)، ۴(۴) (مسلسل ۱۶)، ۴۷-۶۹.
۱۸. عرب بافرانی، محمدرضا، و ملاحسنی، نعیمه (۱۳۹۲). آسیب‌شناسی سکولار شدن حجاب با نگاهی به مسیرهای محتمل پیش‌روی جامعه دینی ایران. مهندسی فرهنگی، ۷۴، ۷۵-۹۱.
۱۹. علامه‌حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ق). تذکره الفقهاء، تحقیق و تصحیح گروه پژوهش مؤسسه آل‌البیت. قم: مؤسسه آل‌البیت.
۲۰. علینقیان، شیوا، شهابی، محمود، و جواهری، فاطمه (۱۳۹۲). نظریه‌پردازی مبنایی دلالت‌های فرهنگی تنوع پوشش‌های زنانه در شهر تهران. مطالعات اجتماعی ایران، ۷(۴)، ۵۵-۸۲.
۲۱. کستلز، مانوئل (۱۳۸۰). قدرت هویت، ترجمه علیقلیان و خاکباز. تهران: طرح نو.
۲۲. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸). تجدّد و تشخص؛ جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نشر نی.
۲۳. محمدی، جمال، دانش‌مهر، حسین، الیاسی، فاضل، و اعظمی، یزدان (۱۳۹۳). پوشش زنان و دلالت‌های معنایی آن (مطالعه موردی: زنان جوان شهر کرمانشاه). مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۳(۹)، ۶۳۹-۶۶۶.
۲۴. مختاریان‌پور، مجید، و گنجعلی، اسداله (۱۳۹۰). نهادی‌سازی عفاف و حجاب در جامعه. رویکردی فرایندی. تحقیقات فرهنگی ایران، ۴(۳)، ۱۱۷-۱۵۱.
۲۵. الیاسی سرزلی، فاضل (۱۳۹۱). تحلیل معانی و دلالت‌های پوشش نزد زنان طبقه متوسط مطالعه موردی زنان ۱۵ تا ۳۰ ساله. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کردستان.

26. Ahmed, S. T., & Roche, T. B. (2018). The Hijab and Niqab: Omani Women's Reflections on Law and Practice. *Journal of Intercultural Studies*, 39(1), 50-66.
27. Alghafli, Z., Marks, L. D., Hatch, T. G., & Rose, A. H. (2017). Veiling in Fear or in Faith? Meanings of the Hijab to Practicing Muslim Wives and Husbands in USA. *Marriage & Family Review*, 53(7), 696-716.
28. Baldi, G. (2018). Burqa Avenger: law and religious practices in secular space. *Law and Critique*, 29(1), 31-56.
29. Dubbati, B. (2017). The Woman in Hijab as a Freak: Super (Muslim) woman in Deena Mohamed's Webcomic Qahera. *Journal of Graphic Novels and Comics*, 8(5), 433-449.
30. Đurović, D., Tiosavljević, M., & Šabanović, H. (2016). Readiness to accept Western standard of beauty and body satisfaction among Muslim girls with and without hijab. *Scandinavian journal of psychology*, 57(5), 413-418.
31. Gorski, P. S. (2000). Historicizing the secularization debate: Church, state, and society in late medieval and early modern Europe, ca. 1300 to 1700. *American sociological review*, 65(1), 138-167.
32. Hapour, D. (2001). *The growth and development of Modernation in Islam an middle east, in Islam and Modernation, a response of some broadminded Muslim*, a response of some broadminded Muslim, written by Jone Kooper feruald netler, Mohamad Mahmud, translate by Karimi sdodabeh, Tehran, international and political office, pp.13-23.
33. Hasan, M. M. (2018). The Feminist "Quarantine" on Hijab: A Study of Its Two Mutually Exclusive Sets of Meanings. *Journal of Muslim Minority Affairs*, 38(1), 24-38.
34. Hasan, S. H., & Harun, H. (2016). Factors influencing fashion consciousness in hijab fashion consumption among hijabistas. *Journal of Islamic Marketing*, 7(4), 476-494.
35. Koo, G. Y., & Han, H. E. (2018). To veil or not to veil: Turkish and Iranian hijab policies and the struggle for recognition. *Asian Journal of Women's Studies*, 24(1), 47-70.
36. Pogontseva, D. V. (2017). female attitudes towards women in hijabs in south Russia. *Psychology in Russia: state of the aRt*, 10(2), 192.

37. Selby, J. A. (2014). Un/veiling women's bodies: Secularism and sexuality in full-face veil prohibitions in France and Québec. *Studies in Religion/Sciences Religieuses*, 43(3), 439-466.
38. Topal, S. (2017). Female Muslim subjectivity in the secular public sphere: Hijab and ritual prayer as 'technologies of the self'. *Social Compass*, 64(4), 582-596.
39. Valdez, I. (2016). Nondomination or Practices of Freedom? French Muslim Women, Foucault, and The Full Veil Ban. *American Political Science Review*, 110(1), 18-30.
40. Vanzan, A. (2016). Veiled Politics: Muslim Women's Visibility and Their Use in European Countries' Political Life. *Social Sciences*, 5(2), 21.

